

بسمه تعالی

درسی سی و یکم : Expression + ing

نکته اصلی درسی : زمانیکه قبل از یک فعل عبارات زیر (به رنگ قرمز) بیاید، آن فعل به صورت ing دار نوشته خواهد شد.

It's no use/it's no good

زمانیکه این دو عبارت قبل از یک فعل می آید، به مفهوم این است که انجام آن کار هیچ سود یا اثری ندارد.
به مثالهای زیر توجه فرمایید:

There is nothing you can do about the situation, so **it's no use** worrying about it.

تو نمی توانی کاری در این شرایط بکنی، نگرانی در مورد آن سودی ندارد.

It's no good trying to persuade me. You won't succeed.

سعی نکن من را ترغیب کنی (تلاشت به نتیجه نمی رسد یا تاثیری ندارد)، موفق نمی شوی.

There's no point in

به مفهوم دلیلی برای ... وجود ندارد می باشد. به مثالهای زیر دقت فرمایید.

There's no point in having a car if you never use it.

اگر هیچوقت از ماشین استفاده نمی کنی، دلیلی برای داشتن ماشین وجود ندارد.

There was no point in waiting any longer, so we went.

دلیلی نداشت که بیشتر منتظر بمانیم، بنابراین رفتیم.

توجه : معمولا عبارت بالا را به صورت **the point of doing something** به کار می بریم :

What's **the point of having** a car if you never use it?

It's(not) worth

به معنی نمی ارزد یا به صرفه نیست می باشد.

I live only a short walk from here, so **it's not worth taking** a taxi.

Our flight was very early in the morning, so it wasn't worth going to bed.

توجه : می توانید جملاتی به صورت *a book is worth reading . a film is worth seeing* و غیره بنویسید:

What was the film like? Was it **worth seeing**?

فیلمش چطور بود؟ ارزش دیدن داشت؟

Thieves broke into the house but didn't take anything. There was nothing **worth stealing**.

دزدها وارد خانه شدند اما چیزی نبردند. اونجا چیزی که ارزش بردن داشته باشد وجود نداشت.

Have difficulty/Have trouble

I **had no difficulty finding** a place to live. (*not* difficulty to find)

مشکلی برای پیدا کردن مکانی برای زندگی نداشتم.

Did you **have any difficulty getting** a visa?

People often **have difficulty reading** my writing.

I **had no trouble finding** a place to live.

A waste of money/A waste of time

به مفهوم ارزش نداشتن می باشد. (وقت هدر دادن یا پول هدر دادن)

It was a **waste of time reading** that book. It was rubbish.

It's a **waste of money buying** things you don't need.

خریدن چیزهایی که نیاز نداری پول هدر دادن است.

Spend/Waste(time)

زمانیکه از این دو فعل برای موضوعی در مورد زمان استفاده می شود، فعل بعد از آنها به صورت *ing* دار می آید.

He **spend** hours **trying** to repair the clock.

او زمان زیادی رو صرف تعمیر ساعت می کند.

I **waste** a lot of time **day-dreaming**.

(be) busy

اگر قبل از فعل busy افعال to be بیاید، فعل بعد از busy به صورت ing دار خواهد بود.

She said she couldn't see me. She **was too busy doing** other things.

Go swimming/go fishing و جملاتی به این سبک که برای فعالیتهای مختلف (به خصوص ورزشی) استفاده می شود. به همراه **go sightseeing** و **go shopping**

نمونه دیگر ترکیباتی از این دست همانند : **go sailing/go climbing/go skiing/go jogging**

How often do you go swimming?

I'd like to go skiing.

When did you last go shopping?

I've never been sailing.

تاریخ : شنبه 17 تیر 1391

منبع :

English grammar in use

Raymond Murphy

در صورت داشتن هر گونه سوال می توانید سوالات خود را به ایمیل زیر ارسال نمایید:

Arty125@emdad.ir